این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

روزه زبان، مرتبه دوم صیام است

آیت‌الله محمد باقر تحریری:

روزه زبان، مرتبه دوم صیام است که از روزه شکم بالاتر است. اگر کسی عذر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد، باید زبان و قلب را حفظ کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «صَوْمُ النَّفْسِ إِمْسَاکُ الْحَوَاسِ الْخَمْسِ عَنْ سَائِرِ الْمَآثِمِ وَ خُلُوُّ الْقَلْبِ عَنْ جَمِیعِ أَسْبَابِ الشَّرِّ.» روزه نفس خودداری حواس پنج‌گانه از دیگر گناهان و خالی بودن قلب از تمامی اسباب شر است. نفس انسان هنگامی روزه‌دار می‌شود که حواس پنج‌گانه‌اش را که گناهان گوناگونی بر آن مترتب می‌شود حفظ کند. روزه، در حقیقت خودداری نفس است و خدای متعال از مهمانانش با چنین روزه‌ای پذیرایی می‌کند؛ چون تا انسان از آلودگی‌ها منزه نشود، به ساحت قرب آن منزه از همه آلودگی‌ها، راه نخواهد داشت.

منبع: کانال تلگرامی «صراط مستقیم»

ناخدایی با اقتدار و هوشمند

نیلوفر الله‌وردی در کانال تلگرامی خود نوشت: زمان‌هایی در زندگی ما هست که دیگه هر کاری از دستمون بر اومده انجام دادیم و باید بقیه‌اش رو بسپاریم به دست سرنوشت تا هر آنچه نیاز داریم رو به ما یاد بده! و در اون لحظات اون آدمی از همه خوشبخت تره که از غرق شدن نترسه و بدونه هیچ وقت کشتی زندگیش ناخدایی با این اقتدار و هوشمندی نداشته!

شمر زمانه

محمد عنایتی نجف‌آبادی در توئیتی نوشت: یکی از بخش‌های پنهان جنایات صهیونیست‌ها، استفاده از آب به عنوان یک سلاح علیه مردم فلسطینه... بر اساس گزارش بانک جهانی، برداشت اسرائیلی‌های از منابع آب مشترک با فلسطینی‌ها ۸۰ درصد بیشتر از معاهده اسلو هست و این مسئله مردم و طبیعت فلسطین رو تحت فشار شدید قرار داده... #شمر_زمانه.

اسرائیل از خانه عنکبوت هم سست‌تر

سیده راضیه حسینی در توئیتی نوشت: بچه که بودم، وقتی توی اخبار می‌دیدم جلوی تانک و تفنگ صهیونیستا، مردم فلسطین فقط با تیرکمون و سنگ هستن و فقط جون میدن، خیلی غصه می‌خوردم؛ انگار آزادی فلسطین، هزار سال دور بود. حالا بیست‌و چندسال بعد، کرانه باختری هم مسلح شده و اسرائیل از خانه عنکبوت هم سست‌تر! #الضفهٔ_درع_القدس

بدترین خیانتی که آدمیزاد می‌تواند متحمل شود

کاربری با نام «پدرام» نوشت: بدترین خیانتی که آدمیزاد می‌تونه متحمل شه از سمت خودشه با هدر دادن زندگیش و استفاده نکردن از استعداداش و نادیده گرفتن علایقش!

واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی به فوت اسفناک اندیشمند برجسته، دکتر عماد افروغ

مرد اندیشه بود در روزگار اندیشه‌گریزی

دکتر عماد افروغ، جامعه‌شناس برجسته، در شب بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان پس از روزها مبارزه با بیماری سرطان و طی دوره شیمی‌درمانی دارفانی را وداع گفت. دکتر افروغ نمایندگی مجلس و ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی را نیز در کارنامه خود دارد. کاربران در پاسداشت یاد او از خدمات ارزنده و ویژگی‌های شخصیتی بی‌نظیرش نوشتند. رویکرد انتقادی و واقع‌گرایی در عین دلبستگی به آرمان‌های انقلاب اسلامی و عشق به ایران و ملت ایران از جمله ویژگی‌های مورد اشاره در شبکه‌های اجتماعی در خصوص این متفکر دوست‌داشتنی است. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

یاسر احمدوند:
دکتر افروغ درگذشت. دو ماه قبل که آمد جلسه هیئت نظارت کتاب گفت خدا رو شکر شیمی‌درمانی‌ام تمام شد احساس راحتی می‌کنم می‌خوام برم مسافرت. نمونه یک ایرانی انقلابی دردمند و اندیشمند بود. سفر به خیر. رحمت خدا بر او.

سید عباس صالحی:
دکتر عماد افروغ خودش بود و شبیه هیچکس نبود. او را که می‌دیدی یاد کلام پیامبر(ص) در مورد ابوذر می‌افتادی: تنها زندگی می‌کند، تنها می‌میرد و تنها محشور می‌شود! به مبانی خود ملتزم و در ابراز آن صریح، آزاده و شجاع بود. خداوند او را با مولایش علی(ع) محشور کند.

محمد فاضلی:
دکتر عماد افروغ هم رفت. جامعه‌شناسی صریح بود و شجاعت بیان ایده‌هایش را داشت. شاگردش بودم و دو سه بار مفصل با هم درباره ایران حرف زدیم؛ درباره جامعه‌شناسی شهری، نابرابری، رئالیسم انتقادی بسکار و اندرو سایر، و روح انتقادی از او بسیار آموختم. خدایش بیامرزد و به بازماندگان صبر دهد.

حسین سیستانی:
خدا رحمت کند استاد عماد افروغ رو، در این روزگار اندیشه‌گریزی مرد اندیش‌ورزی بود.

حسین انتظامی:
عماد افروغ با سواد بود؛ مطالعات معرفتی فراتر از رشته‌اش داشت؛ هر جا احتمال تأثیر می‌داد، دریغ نمی‌کرد؛ و چندین ویژگی دیگر. اما بارزترین خصلت‌اش صراحت بود؛ این صفت ممتاز در روزگاری که ریا و نفاق و حساب‌گری بر همه ما سایه افکنده است، بس ارجمند و برجسته می‌نماید.

محمد آقاسی:
عماد افروغ رفت، و تعجب می‌کردم اگر در غیر چنین زمان عزیزی می‌رفت. علاقه به رمضان و مهر او به مولا، مثال زدنی بود، به ویژه در این سال‌های آخر.

محمدرضا زمردیان:
رحمت خدا شامل حالشان، حیف و صد افسوس دانشمندی وارسته، انسانی اخلاق‌مدار و مؤمن بود از معدود دوره‌هایی که کمیسیون فرهنگی مجلس به کمیسیون فرهنگی شباهت داشت مجلس هفتم و ریاست ایشان بود، از دایره انصاف و اخلاق خارج نمی‌شد و تحلیل‌هایش واقعی و بدون مصلحت اندیشی بود.

مهدی خراطیان:
مرگ عماد افروغ بدون شک ضایعه بزرگ و ناگواری در شرایط کنونی کشور است، چرا که او از معدود اندیشمندانی بود ضمن اشراف بر ابعاد تیره‌گون سیاست در ایران، برای ارتقای جایگاه گفت‌وگو و تبیین نسبت اخلاق و سیاست و ترمیم چندپارگی‌های جامعه کنونی ایران تلاش بسیاری می‌کرد. خدایش بیامرزد.

سیدمحمود رضوی:
دکتر عماد افروغ انقلابی و اصولگرای واقعی، مدافع انقلاب اسلامی و اندیشه‌های معمار انقلاب امام خمینی(ره) بود. علاوه بر مدارج علمی، فردی آزاده، شجاع، صریح، صادق و عدالتخواه واقعی بود. سال‌های اخیر سوپر انقلابی‌ها تلاش کردند او را نیز از قطار انقلاب پیاده کنند. رحمت‌الله‌علیه

سیدنظام‌الدین موسوی:
خداوند بر درجات دکتر عماد افروغ بیفزاید. چه نیکو تقدیری داشت که رفتنش هم در لیله‌القدر رقم خورد. در دوران دانشجویی از او بسیار آموختم. جامعه شناسی دیندار و دغدغه‌مند، اصولی و چارچوب‌دار در بینش و صریح و عصیانگر در روش. در عرصه سیاست نیز اینگونه بود. تسلیت به خانواده و شاگردانش.

امیررضا مافی:
بعضی از آدم‌ها می‌دانند باید کجا بایستند و چه زمانی باید آنجا را ترک کنند. دکتر عماد افروغ از این دست آدم‌ها بود. اندیشمندی که شهوت و تمنای قدرت نداشت و آخرتش را به دنیای خودش و دیگران نفروخت. خدایش بیامرزد.

خاطره شیرین فرزند مرحوم آیت‌الله حائری از پدر

محمدعلی حائری در کانال تلگرامی خود با عنوان «شیرینی‌های پدر» که به ذکر خاطراتی از مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی می‌پردازد، نوشت: مدتی بعد از آنکه پدر امامت جمعه را رها کردند، در قم رحل اقامت گزیدند. متأسفانه بعضاً هم تنها بودند! گاه‌گداری من و بچه‌ها سری می‌زدیم. به‌واسطه بیماری‌ای که داشتند رژیم غذایی سختی هم گرفته بودند و مثلاً بین گوشت‌ها فقط مجاز به خوردن شکمبه گوسفند بودند بلکه مداومت به آن مانند یک دارو.

خب شکمبه‌ها را هم به جهت ارزان‌تر شدن و هم به جهت تمایل شخصی‌شان، پاک نکرده می‌گرفتند و خودشان پاک می‌کردند. از نیمه‌های شب چندساعتی به حمام زیرزمین می‌رفتند و آنها رو خوب خوب تمیز می‌کردند و بار می‌گذاشتند و صبح، چنانچه همچومنی مهمانشان بود، با هم می‌خوردیم.

در این ایام، اموراتشان هم نوعاً از سخنرانی‌هایی که دعوت می‌شدند می‌گذشت. پاکت سخنرانی را هم در جیب بالای قبایشان می‌گذاشتند. من هم به رسم فضولی، بعضاً پاکت را چک می‌کردم تا ببینم وسعت دخل‌وخرج به چه میزان است؟ این بار در پاکت فقط یک تراول پنجاهی بود و می‌بایست تا سخنرانی بعدی با همین مبلغ مدیریت می‌کردیم... بماند.

یک روز صبح گفتند: فردا جلسهٔ کمیسیون خبرگان دارم و می‌خواهم یک حمام اساسی بروم. تو هم میای؟! اول استقبال نکردم؛ بعد ادامه دادند، در یکی از کوچه‌های فرعی گذر خان، یک حمام عمومی قدیمی هست. قبلاً یک‌بار تنهایی رفتم؛ خوب دَم می‌شود، دلاک کار بلدی هم دارد. احساس کردم تنهایی سختشان است که بروند؛ پذیرفتم همراهی‌شان کنم. بقچه‌ای از حوله، لباس و صابون فله‌ای با خود بردیم. وقتی وارد شدیم، روی در نوشته بود: «هزینه هر نفر، ۲هزار و ۵۰۰ تومان». پیش‌قدم شدم و حساب کردم. پدر راست می‌گفت. آنچنان حمام دم داشت که گویی به سونای بخار رفته‌ایم. دلاک پیر کار بلد هم روی هر نفر قریب نیم ساعت تا سه‌ربع ساعت وقت می‌گذاشت! حمام خیلی خیلی خوبی بود. آدم واقعاً احساس سبکی و نشاط می‌کرد.

در وقت خارج شدن، دم در به من گفتند انعام دلاک را حساب کردی؟ گفتم نه! گفتند: صدایش کن. پیرمرد را صدا کردم آمد. پدر دست در جیب کرد و همان پاکت تراول پنجاهی را به او داد! او تراول را گرفت، بوسید، بر چشم گذاشت و نگاهی به بالا کرد و رفت. من هاج و واج و متعجب به پدر نگاه می‌کردم. گفتم زیاد ندادید؟ گفتند نه! بعد مکث کردند و گفتند: مگر چقدر بود؟ گفتم پنجاه تومان؛ و این هر آنچه بود که در پاکت داشتید!

نگاهی تیز و تند کردند. پنج یا پنجاه؟ پنجاه! نچ ریزی گفتند و برگشتند به سمت حمام. چند قدم نرفته، توقف کردند، برگشتند نگاهی به بالا کردند، بعد به سمت من آمدند. گفتند «دیگه امیدوار شده، نمیشه کاریش کرد، بریم»

وارد گذرخان شدیم به فکر مخارج تا شب بودم. هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که کسی از حجره‌ای با لهجه غلیظ اصفهانی بلند داد زد «حَجا آقا! حَجا آقا! خودش را دوان‌دوان بما رساند و رو به من کرد و گفت «آقای حائری شیرازی هستند؟» گفتم بله. گفت «حاج‌آقا یه دقه صبر کنید»! رفت و از میز دکان، پاکتی آورد و به پدر داد.

پدر با نگاهی تند گفت «من وجوهات نمی‌گیرم!»

گفت «وجوهات نیست، نذر است.»

گفتند «نذر؟»

گفت «دیروز برای باری که داشتم، در گمرک مرز اشکالی پیش آمد. شما همان موقع در شبکه قرآن مشغول صحبت بودید. مال، خراب شدنی بود. نگاهی به بالا کردم که اگر مشکل همین الان حل شود، مبلغی را به شما بدهم. همان موقع، حل شد و شما امروز از این جا رد شدید!»

پدر متبسم شد. رو به من کرد که پاکت را بگیر. گرفتم. خداحافظی کردیم و راه افتادیم. در حین حرکت، آرام در گوشم گفتند «بشمارش!» من هم شمردم. ۱۰ تا تراول ۵۰ هزار تومانی بود. بعد بدون آنکه چیزی بگویم، در گوشم گفتند «۱۰ تا بود؟!» بعد این آیه را خواندند: «مَن جَاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ عَشرُ أَمثَالِهَا...»

نگاهی به بالا کردند و گفتند «خدا بی‌حساب می‌دهد. به هر که اهل حساب‌وکتاب باشد با نشانه می‌دهد که بفهمی مال اوست نه دیگری. آن را در جیبت بگذار تا به اهلش بدهیم».

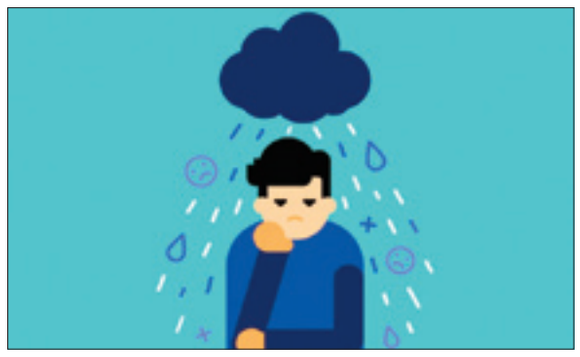

اختلال اضطراب فراگیر

فاطمه خانی نوشت: در روانشناسی یک اختلال بسیار رایج است به نام اختلال اضطراب فراگیر (GAD) در این حالت فرد بیش از حد بابت رویدادهای روزمره نگران است. در حالی که بعضی از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها بخش طبیعی و حتی شایع زندگی را تشکیل می‌دهد، اختلال اضطراب فراگیر به آن دسته نگرانی‌هایی گفته می‌شود که در سلامت و عملکرد طبیعی فرد اختلال ایجاد می‌کند.

هشدار در خصوص قطعی سامانه پیامکی عدل ایران

مهسا رجبی در توئیتی نوشت: با توجه به قطعی برخی پیامک‌های اطلاع‌رسانی سامانه عدل ایران در هفته‌های گذشته بسیاری از افراد از ابلاغ‌ها و رأی‌های صادره بی‌اطلاع مانده‌اند که موجب تضییع حقوق قانونی‌شان شده است. توصیه می‌شود چنانچه درگیر روال دادرسی هستید و پرونده در جریان رسیدگی دارید سامانه عدل ایران خود را چک کنید که مهلت‌های قانونی خود را از دست ندهید.

استونی، نمادی از کشورداری دیجیتال

کانال تلگرامی «اقتصاد به زبان ساده» نوشت: شاید اسم کشور استونی را نشنیده باشید یا اصلاً به آن فکر نکرده باشید. اما استونی «آینده جهان» است! چرا که اولین کشور تماماً دیجیتال دنیاست. ممکن است بپرسید کشور تمام‌دیجیتال یعنی چه؟ آن را در هفت تصویر توضیح می‌دهم:

یک: به هر شهروند استونی در لحظه تولد یک کد دیجیتال ۱۱ رقمی می‌دهند که تا پس از مرگ با وی همراه است: این کد جایگزین کارت ملی، شناسنامه، کارت بانکی و دفترچه بیمه است.

دو: با ورود به پایتخت استونی با پدیده‌ای عجیب روبه‌رو می‌شوید: اینترنت بی‌سیم مجانی در سراسر شهر برای همه. جالب است بدانید این کشور در سال ۱۹۹۱ مستقل شد و در آن زمان فقط نیمی از مردم تلفن داشتند آن هم با دسترسی محدود!

سه: امضای دیجیتال به‌اندازه امضا روی کاغذ ارزش دارد. پر کردن فرم‌های مالیاتی، بازکردن حساب بانکی، دریافت وام، یا حتی تأسیس شرکت کاملاً غیرحضوری و مبتنی بر هویت دیجیتال و با امضای الکترونیک است.

چهار: استونیایی‌ها اولین ملت دنیا بودند که در سال ۲۰۰۵ در انتخابات آنلاین شرکت کردند. وقتی خبرنگاری از رئیس‌جمهور سابق استونی پرسید در انتخابات کجا رأی خواهد داد، با تعجب گفت: در خانه، پای کامپیوتر! به کمک همان کد ۱۱ رقمی تقلب در این سیستم امکان ندارد.

پنج: همه چیز به کد ۱۱ رقمی وصل است. بنابراین خیلی از کارها ساده می‌شود: مثلاً پر کردن فرم آنلاین مالیاتی در استونی ساده‌تر از چیزی است که فکر می‌کنید و فقط چند دقیقه طول می‌کشد. مشهور است که نخست‌وزیر سابق استونی اوراق مالیاتی‌اش را در فرودگاه در لپ‌تاپش پر کرد.

شش: در استونی یک کارآفرین می‌تواند شرکت خود را بدون هرگونه کاغذبازی اداری و تنها از طریق کامپیوتر خود در خانه به ثبت برساند. رکورد ثبت شرکت در این سیستم ۱۸ دقیقه است.

هفت: استونی اولین کشوری است که شهروندی الکترونیک را به مردم خارج از کشور ارائه داد. با ایده کشور بدون مرز حتی شهروندان دیگر کشورها نیز می‌توانند برای اقامت الکترونیک اقدام کنند.

تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری

کانال تلگرامی «تفکر انتقادی» نوشت: زندگی روزمره توالی بی‌پایانی از تصمیم‌هاست. برخی تصمیمات کوچک و بی‌اهمیت‌اند، و برخی بزرگ و سرنوشت‌ساز. بسیاری از افراد ناآگاهانه زندگی نامعقول یا غیراخلاقی را در پیش می‌گیرند و با این روش از یک سو ناکامی خود را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر به دیگران آسیب می‌زنند. تفکر انتقادی با ارتقای تصمیم‌گیری تا سطح انتخاب آگاهانه و سنجیده، عقلانیت تصمیم‌ها را افزایش می‌دهد و مانع تصمیم‌گیری‌های غیر اخلاقی می‌گردد.

چطور می‌توانیم میزان معقول بودن و اخلاقی بودن تصمیم‌های خود را مشخص کنیم؟ نخست اینکه بدانیم تصمیم‌های ناآگاهانه معمولاً تصمیم‌های نامعقول هستند. ما بسیاری از تصمیم‌های خود را ناآگاهانه اتخاذ می‌کنیم. اگر از شما بپرسند دیروز چه تصمیم‌هایی گرفتید، احتمالاً سردرگم می‌شوید. پس در قدم اول باید تلاش کنیم از میزان تصمیم‌های ناآگاهانه خود بکاهیم و پیش از اتخاذ هر تصمیمی درباره آن تفکر و تأمل کنیم، و با این کار رفتار خود را تا سطح درک آگاهانه ارتقا دهیم. دوم اینکه دقت داشته باشیم که تصمیم‌های ما هنگامی که به ضرر آسایش دیگران است یا به آنها آسیب می‌رساند، غیراخلاقی است. پس پیش از تصمیم‌گیری، تأثیر آن را بر دیگران در نظر بگیریم. سوم اینکه توجه کنیم که تصمیم‌های ما هنگامی که به ضرر آسایش خود ماست نامعقول به شمار می‌رود. ما برای خشنودی‌های فوری و کوتاه‌مدت تصمیم‌هایی به ضرر خودمان می‌گیریم. مثلاً تصمیم می‌گیریم غذاهای ناسالم بخوریم یا سیگار بکشیم یا ورزش نکنیم.

برای شروع می‌توانیم به بررسی عادات رفتاری خود بپردازیم و در وهله نخست عادات رفتاری ناآگاهانه، نامعقول، و غیراخلاقی خود را شناسایی کنیم. سپس از طریق تشخیص عادت‌های بد و جایگزین کردن آنها با عادات خوب، تصمیم‌گیری خود را بهبود ببخشیم.

گذری بر کنش و اندیشه سیاسی دکتر عماد افروغ

امیر راغب در واکنش به فوت دکتر عماد افروغ طی رشته توئیتی نوشت: عماد افروغ برای من اولین چهره نزدیکی بود که سودای ایستادن در میدان سیاست از ناحیه علوم اجتماعی را عملی کرده بود. همان سودایی که ما همان سال‌ها با آن روانه دانشگاه شدیم و رفته رفته در پی گرفتن‌اش، از سیاستِ عملی دور شدیم. چنانکه افروغ هم شد. سرنوشت افروغ به این معنا بسیار تماتیک است. یعنی وابسته به زمینه‌ای است که خیلی‌ها پیش از او و بسیارانی پس از ما در آن سیر خواهند کرد. اما فقط این سرنوشت مشترک نبود که چهره عماد افروغ را برای ما تماشایی می‌کرد. افروغ در تقلا برای پیش افتادن از تحولات سیاسی به میانجی درک تجریدی از آن، به «فرم زبانی» ویژه‌ای دست یافته بود که هرچند تا حدود زیادی، به شخصیت او برمی‌گشت اما به نظر من، نسبتی وثیق با آن پروژه دارد. او خودش تمایل داشت که این صورتِ زبانی خاص را در قالب «تعارف‌پرهیزی» صورت‌بندی کند. تلاش برای دست‌یابی به یک زبان روشن و آشکار کننده که منطق تحولات را دنبال می‌کند و به دنبال آن است تا رخدادهای ولو موقتی و موردی را به یک «وضعیت عمومی» نسبت دهد. از همین رو هم بود که «موضوع» نقد سیاسی افروغ، همواره جمهوری اسلامی در تمامیت آن بود و ماند.

این ویژگی زبانی، آشکارا در تمایز با دو تلاش هم‌ارز دیگری قرار داشت که در آن سال‌ها - و همچنان- یکی در قالب «جریان‌شناسی» و دیگری در قالب «افشاگری» به دنبال پیش افتادن از تحولات جاری بودند و دکتر افروغ هرگز به «دام» هیچ‌کدام از آن دو نیفتاد، چه آنکه باور داشت این دو پروژه، پاسخ را از پیش، در چنگ دارند و هر چه باشند خالی از «تحقیق» هستند که ضرورت تلاش برای کشف «منطق تحولات» است. چیزی که افروغ همیشه - و تا همین اواخر- با خود داشت.

البته افروغ تمایز دیگری نیز با دسته دیگری از اهل نظر آلوده به سیاست داشت که بسیار مهم است. هرچند تفکر او همواره یک تفکر هنجاری بود، اما هنجار افروغ در ساحت فکر- چنانکه در سیاست- «اسکات خصم» نبود. افروغ اندیشمند خوش مشربی بود، کم طاقت هم بود، اما آنجا که گمان می‌کرد کسی یا ایده‌ای به دنبال آن است تا تحت عنوان «واقعیت» (واقع گرایی/مصلحت‌اندیشی) «هنجار» وضع کند. او البته آن اندازه تجربه سیاسی داشت که به نفی مصلحت‌اندیشد اما به باور من همواره دو اصل برای او حاکم بر مصلحت بود. عدالت و جمهوریت و خصوصاً فهم این دو اصل در نسبت با یکدیگر و در قالب یک هنجار. تا جایی که به یاد می‌آورم او از ابتدا تا همین آخر به این نسبت می‌اندیشید و اخیراً دستاوردهای تازه‌ای نیز در این باب داشت که امیدوارم از سوی کسانی از سِلک فکری خود او دنبال شود. یادش گرامی و روح‌اش قرین رحمت واسعه پروردگار باد...

تصویر منتخب

پالمیرا | سوریه | قبل و بعد از ظهور داعش | از صفحه توئیتری امیر ابتهاج